



Jurisprudential Analysis of Proffering; Beyond Obedience

Mohammad Zobdeh¹ | Hosein Haghghatpoor²

1. Corresponding Author, MA, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yazd University, Yazd, Iran. Email: m.zobdeh@stu.yazd.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yazd University, Yazd, Iran. Email: Haghghatpoor@yazd.ac.ir

Article Info

Article Type: Research Article

Article History

Received 26-Nov-2022

Received in revised form 28-Feb-2023

Accepted 15-Apr-2023

Published online 5-Oct-2023

Keywords

Compliance,
family rights,
marital relations,
proffering,
Imamiyya Jurisprudence.

ABSTRACT

The following article was influenced by field studies about one of the most important causes of disputes leading to divorce, that is, men's sexual dissatisfaction. In jurisprudence and legal works, the minimal concept of "compliance" is mentioned to regulate the marital relationship. Despite this, studies show that according to the current situation and social developments, the concept of "compliance" is often not enough to regulate the marital relationship. Accordingly, a more suitable platform should be sought. The present research has been intended to answer this question by using the descriptive-analytical method and relying on library sources. In this regard, it first reviewed the concept of "compliance" and then examined the concept of "proffering" and the relationship between the two. In the following, it has presented the hypothesis of replacement or obligatoriness of proffering and compliance based on jurisprudential sources. The result of this research is the confirmation of the hypothesis of the article documented in reliable Islamic sources.

Cite this article: Zobdeh, M., Haghghatpoor, H. (2023). Jurisprudential Analysis of Proffering; Beyond Obedience. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 56 (1), 67-83. DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2023.350723.669453>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2023.350723.669453>

تحلیل فقهی عرضه؛ فراتر از تمکین

محمد زبده^۱ | حسین حقیقت‌پور^۲

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: m.zobdeh@stu.yazd.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: Haghighatpoor@yazd.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
نوشتر پیش‌رو متأثر از مطالعات میدانی پیرامون یکی از مهم‌ترین علل اختلافات منجر به طلاق، یعنی نارضایتی جنسی مردان سامان یافت. در آثار فقهی و حقوقی، برای تنظیم رابطه زناشویی، از مفهوم حداقلی «تمکین» یاد شده است. با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهد با توجه به وضعیت کنونی و تحولات اجتماعی، مفهوم «تمکین» اغلب برای تنظیم رابطه زناشویی کافی نمی‌نماید. بر این اساس، باید به دنبال بستری مناسب‌تر بود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش بوده است. در این راستا، ابتدا مفهوم «تمکین» را مرور و در پی آن مفهوم «عرضه» و ارتباط این دو را بررسی نموده است. در ادامه فرضیه جایگزینی یا تکلیف‌انگاری توأمان عرضه در کنار تمکین را بر منابع فقهی عرضه نموده است. برآمد این جستار، تایید فرضیه مقاله مستند به منابع معتبر اسلامی است.	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳</p> <p>کلیدواژه‌ها: تمکین، حقوق خانواده، روابط زناشویی، عرضه، فقه امامیه.</p>
<p>استناد: زبده، محمد، حقیقت‌پور، حسین (۱۴۰۲). تحلیل فقهی عرضه؛ فراتر از تمکین. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۶ (۱)، ۶۷-۸۳.</p> <p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.</p>	
<p>DOI: https://doi.org/10.22059/jzfil.2023.350723.669453</p>	



۱. مقدمه

در قرن حاضر حقوق خانواده در کشور ما متأثر از اقتضائات اجتماعی دچار تحولات شگرفی شده و حمایت از خانواده یا به تعبیری دقیق‌تر، حمایت از حقوق زنان سبب ایجاد محدودیت‌هایی برای مردان شده‌است. بطور مثال حق ازدواج مجدد با محدودیت‌های فراوانی روبرو گشته تا در عمل نظام تک‌همسری تقویت شود. این تحولات در پس نیازهای اجتماعی صورت پذیرفته و قطعاً فوایدی به دنبال دارد. با وجود این، ممکن است قانونگذار ناخواسته به افراط گراید و توجه به نیازی، وی را از تبعات رفتار او غافل نماید. بررسی پرونده‌های اختلافات زناشویی منجر به طلاق نشان می‌دهد، یکی از علل سیر صعودی طلاق و فروپاشی نهاد خانواده، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به روابط زناشویی است. بی‌تردید گزینه جنسی بین زن و مرد مشترک است و بی‌توجهی هر یک از ایشان به نیازهای طرف مقابل، ناموجه می‌نماید. با اعتراف به این مهم، در پژوهش پیش رو بخشی از این بحران اجتماعی مرتبط با نیاز جنسی مردان و بی‌رغبتی بانوان به آن مورد کنکاش فقهی واقع شده‌است. وانگهی شاید بتوان گفت میزان تمایل جنسی مردان بیش از زنان است و بسیاری از مردها با محرک‌های بینایی زنان برهنه یا نیمه برهنه به فکر پاسخ به نیازهای جنسی خود هستند. (نظری توکلی، کراچیان ثانی، ۳۷۸-۳۵۹) ذهن به دنبال ایجاد توازن است و در برابر ایجاد محدودیت برای مردان، راهکاری برای جبران می‌جوید. در غیر این صورت ممکن است با عدم‌التفات زوجه، زوج برای رفع نیاز به فکر محیط دیگری باشد که همین امر می‌تواند موجب بی‌اعتمادی و درنهایت خیانت شود. شوهر برای توجیه این کار نیز به عدم توجه همسرش در برطرف کردن نیازهای جنسی خود استناد می‌کند (اف هارلی، ۵۹) و اینگونه وجدان خود را قانع می‌سازد. این موارد در پرونده‌های قضایی حوزه خانواده در قالب‌های مختلف و عموماً در قاموس اصطلاحات دیگری مانند ناسازگاری زوجین، خیانت یا طلاق‌های عاطفی، خود را نمایان ساخته اما مسائل جنسی و آنچه در این حیطه می‌گنجد، لایه پنهانی این قبیل اختلافات است، چه مطالعات روانشناسی نشان می‌دهد صمیمیت جنسی با صمیمیت عاطفی ارتباط تنگاتنگی دارد (www.tohidcc.ir مورخ ۱۳۹۱/۸/۸) و سردی در آن موجب دگردیسی یک رابطه موفق به رابطه‌ای متزلزل است.

نگاه حداقلی به وظایف زناشویی زوجه در قالب «تمکین»، خود منجر به مشکلات پیش‌گفته می‌شود؛ زیرا چنانکه خواهد آمد، رفتاری کاملاً انفعالی و تهی از هرگونه کنش‌گری جنسی است. گویا زن با دریافت نفقه (ثمن)، خویشتن را بطور سربسته و بدون اظهار و مغالزه، در اختیار شوهرش قرار می‌دهد؛ طبیعی است که به مرور زمان این نوع رابطه زناشویی که عواطف و احساسات در آن رنگ باخته، به تدریج رو به انحطاط می‌گراید. در مقابل، از جمله مهمترین راهکارها در مرتفع ساختن نیازهای جنسی و عاطفی، عرضه و ایجاد جذابیت‌های جنسی و به تعبیر عرفی دلبری از سوی

زوجه‌است؛ رفتاری کنشی که می‌تواند محدودیت‌های ایجاد شده را کمرنگ جلوه دهد و به تبع نظام خانواده را مستحکم‌تر کند.

مسئله اصلی پژوهش پیش رو ناظر به حکم تکلیفی «عرضه» یا همان کنش‌گری زن در قالب ایجاد جذابیت‌های جنسی در مقابل مرد است. به تبع مسائلی فرعی همچون ارتباط مفهوم عرضه با تمکین نیز مورد بررسی واقع خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

هرچند پژوهش در زمینه تمکین پیشینه‌ای قابل توجه دارد؛ اما تا آنجا که جستجو کردیم، در باب تعریض و ایجاد جذابیت جنسی زوجه، با رویکرد فقهی، تحقیق در خوری سامان نیافته‌است.

۳. ماهیت‌شناسی تمکین

مصدر "مکن" که در فرهنگ لغات برای آن معانی بسیاری ذکر گردیده‌است؛ شایع‌ترین آن‌ها، سلطه و اختیار دادن به دیگری و جعل قدرت و سلطنت برای کسی است (غدیری، ۹۰)؛ در رابطه با معنای لغوی تمکین، فیومی آورده‌است: «جَعَلْتُ لَهُ عَلَيْهِ سُلْطَانًا وَ قُدْرَةً» (فیومی، ۵۷۷/۲)؛ براین مبنا تمکین زوجه عبارت است از اینکه وی زوج خویش را در مسائل زناشویی تسلط دهد به نحوی که وی در کامجویی از اقتدار کافی برخوردار باشد. در قرآن نیز این واژه با همین معنای لغوی بکار رفته‌است؛ این مدعا در آیاتی همچون: «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ» (انعام/۶)، «الَّذِينَ ان مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...» (حج/۴۱) و «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کهف/۸۴) ملاحظه می‌شود. در أبواب مختلف فقه، از قبیل طهارت، صلاة و تجارت این واژه بکار رفته‌است، اما بارزترین کاربرد تمکین در باب نکاح است. (روحانی، ۲۴۶/۲۲) از جهتی نیز تمکین مفهومی مرتبط با نفقه‌است؛ زیرا زوجه در صورتی مستحق نفقه‌است که در مسائل زناشویی از زوج تمکین نماید (کاتوزیان، ۱/۱۷۰) و در نتیجه بی‌توجهی زوجه به تمکین از زوج و تمرد از وظایف خویش مرادف و ملازم با نشوز وی تلقی می‌شود. (محقق کرکی، ۴۷۶/۱۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۷۳) در یک تقسیم‌بندی، تمکین به عام و خاص تقسیم می‌شود که به تبیین آنها می‌پردازیم.

۳-۱. تمکین خاص

برخی از فقیهان در تبیین تمکین خاص یا کامل گفته‌اند زوجه موانع موجود برای بهره‌وری جنسی زوج از خود را برطرف نماید و خود را در اختیار زوج قرار دهد، به این صورت که هیچ مانعی بین آنها برای استمتاع زوج از زوجه وجود نداشته باشد، به نحوی که در هر زمان و مکانی که شرعاً و عرفاً استمتاع مرد از زن بدون اشکال باشد، وی بتواند از همسر خود بهره جنسی ببرد. (محقق حلی، ۲۹۱/۲؛ شهید ثانی، ۴۳۹/۸؛ سیستانی، ۱۰۳/۳) منظور از اینکه استمتاع مرد از زن بدون اشکال باشد آن است که زوجه نه عذر شرعی مانند عادات ماهانه و نه عذر عقلی و عرفی مانند صغر سن و بیماری داشته باشد. (مکارم، کتاب النکاح، ۱۵/۷) شیخ طوسی معتقد است مقصود از تمکین کامل

این است که زوجه، شوی خویش را بدون قید و شرط بر خویش مسلط سازد، به گونه‌ای که هیچگونه اعتراض و سرکشی از وی سرزنزد. (طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۱/۶) در برخی منابع عبارت «تخلیه تامه» نیز آمده و گفته‌اند زن نباید بهره‌وری و استمتاع از خویش را مقید به زمان و مکان خاصی نماید. (محقق حلی، ۲۹۱/۲؛ فاضل اصفهانی، ۵۵۷/۷) گروهی از فقیهان معتقدند چنانچه زن خودش را در غیر زمان یا مکانی که شوهر از وی کامجویی خواسته، در اختیار زوج قرار دهد، تمکین حاصل نشده و بدین واسطه زوجه مستحق نفقه نخواهد بود. (صاحب جواهر، ۳۰۳/۳۱؛ شهید ثانی، ۴۳۹/۸؛ علامه حلی، تلخیص المرام فی معرفة الأحکام، ۲۰۶) بر این بنیاد، تمکین خاص نقطه مقابل نشوز دانسته شده و این دو اصطلاح «ضدّان» محسوب می‌گردند. (مکارم، کتاب النکاح، ۱۵/۷) همچنین آن شرط مبنایی که بعد از عقد موجب ثبوت نفقه بر مرد می‌شود، همانا تمکین کامل است که بی‌توجهی به آن موجب سقوط نفقه دانسته شده است. (علامه حلی، تحریر الأحکام، ۲۱/۴) بعلاوه آنچه مربوط به حق حبس زوجه است که بر مبنای آن می‌تواند تا پیش از تسلیم مهریه‌اش از انجام وظایف زوجیت سرباز زند، مربوط به این قسم از تمکین است. حقوقدانان نیز در تعریف تمکین خاص، به پذیرش نزدیکی جنسی با شوهر به طور متعارف و آمادگی برای آن را بیان داشته‌اند؛ (امامی، ۴۴۸/۴؛ صفایی و امامی، ۱۴۰) براین مبنا صرف سکونت در منزلی که شوهر تعیین نموده را تمکین ندانسته و بیان نموده‌اند که باید زوجه خویش را در اختیار زوج برای استمتاع قرار دهد. (بررسی فقهی حقوق خانواده، محقق داماد، ۲۴۷) به عنوان جمع‌بندی نهایی باید گفت مراد از تمکین خاص، رابطه کامل و جماع است، چنانکه مرحوم اراکی در این رابطه بیان می‌دارد: «التمکین هو فعل الجماع»؛ (اراکی، ۳۶۳) شهید ثانی نیز از تمکین تعبیر به وطی می‌کند که مقصود همان است. (شهید ثانی، ۴۴۳/۸) اثبات وجوب سایر امورات که ممکن است به رابطه جنسی ختم شود، نیازمند ادله دیگری همچون روایات صادره در این باب و دلیل عقل است؛ چه به لحاظ ماهوی، می‌تواند خارج از تمکین خاص قرار گیرد.

۲-۳. تمکین عام

در شرح معنای تمکین عام آمده است که زوجه ریاست مرد در خانواده را بپذیرد و وظایف خود را در قبال زوج انجام دهد و از وی در حدود عرف و شرع اطاعت نماید. فقیهان و حقوقدانان به مباحثی مانند اینکه زوجه نباید از منزل بدون اذن شوهر بیرون رود، در این قسم از تمکین اشاره کرده‌اند. (علامه حلی، تحریر الأحکام، ۵۸۷/۳؛ امامی، ۴۴۸/۴) یکی از حقوقدانان شهیر، در شرح تمکین عام، آورده است: «حسن معاشرت زن با شوهر خود و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی است»؛ (امامی، ۴۴۷/۴) ایشان در رابطه با حسن معاشرت نیز مواردی از قبیل اطاعت زن از همسرش، خوش‌رویی با شوهر، رعایت نظافت و آرایش برای وی و خارج نشدن از منزل تعیین شده توسط شوهر و امثال این موارد را برشمرده است. (همو) سایر حقوقدانان نیز مواردی همچون انجام وظایف

نسبت به شوهر، اطاعت از وی در حدود قانون و عرف و همچنین پذیرش ریاست شوهر بر خانواده را بیان نموده‌اند. (صفایی؛ امامی، ۱۴۰)

۴. ماهیت‌شناسی نشوز

"نشز" در لغت به معنای ارتفاع، امتناع، مکان مرتفع و ارتفاع از زمین آمده‌است. (فراهیدی، ۲۳۲/۶؛ جوهری، ۸۹۹/۳؛ راغب اصفهانی، ۸۰۶؛ قرشی، ۶۵/۷) در تعریف نشوز از دیدگاه فقیهان آمده‌است: «نشوز در زوجه با خارج شدن وی از اطاعت شوهر در اموری که بر زن واجب است که مطیع شوهر باشد را نشوز گویند». (سبزواری، ۲۱۷/۲۵؛ شهید ثانی، ۳۵۴/۸) حقوقدانان برای نشوز، به مواردی مانند عدم معاونت در تشییع میانی خانواده و بی‌اعتنایی به خواسته‌های مشروع شوهر (کاتوزیان، ۱۷۱/۱) و مطیع نبودن زن از شوهر اشاره کرده‌اند. (صفایی؛ امامی، ۱۴۱)

۵. ماهیت‌شناسی تعریض

از ریشه "عَرَضَ" به معنی در معرض نمایش قرار دادن چیزی، اظهار داشتن، نشان دادن، آشکار کردن و ارائه دادن است. (جوهری، ۱۰۸۲/۳؛ احمد بن فارس، ۲۶۹/۴؛ راغب اصفهانی، ۵۵۹) از معانی دیگر این واژه آن است که در مقابل و مخالف طول است. (فراهیدی، ۲۷۱/۱) احمد بن فارس، ۲۶۹/۴؛ راغب اصفهانی، ۵۵۹) همچنین در میان عرب زمانی که سربازان در حال سان دیدن هستند، نیز این اصطلاح بکار رفته‌است؛ (اسماعیل بن عباد، ۳۰۵/۱) چراکه سان دیدن نظامیان یک کشور حاوی این پیام است که قوای نظامی آن کشور با نمایان ساختن اقتدار خود، معاندین را از تعرض به کشورشان دور می‌کنند.

فقیهان و حقوقدانان برای تعریض تعریفی ارائه نداده‌اند، اما با بهره‌گیری از معانی لغوی می‌توان در تشریح آن این‌گونه بیان داشت: عبارت است از اینکه زوجه ظرفیت‌های جنسی و زنانه خویش را به شیوه شایسته بر شوهر ارائه و عرضه نماید. به تعبیری دیگر کلیه رفتارهای جنسی که هدف آن تحریک یا فرونشاندن جنبه‌های دیداری، شنیداری و حسی غریزه جنسی مرد باشد؛ به نحوی که قاعدتاً موجب شگفت‌زدگی وی شود.

۶. مصادیق عرضه و دلبری زوجه

در بازشماری مصادیق عرضه می‌توان از روایات و رسوم متعارف بهره برد؛ به طور مثال در روایتی از پیامبر (ص) نقل است که زن باید به هنگامی که مرد به خانه وارد می‌شود به او خوش‌آمد بگوید (طبرسی، ۲۱۴) و هنگام خلوت با شوهرش، زمانی که شخص دیگری در خانه حضور ندارد، باید بر خلاف حضور در سایر مکان‌ها، در برخورد با شوهرش خود را بر او اظهار نموده و زیبایی‌ها و زینت‌های خویش را بر او نمایان سازد، اما در مواجهه با دیگران خوددار و پوشیده باشد. (کلبینی، ۵۷۱/۱۰) عشوه‌گری و ناز و کرشمه، از دیگر مواردی است که در روایات به زن سفارش شده‌است تا

پیش از آنکه وارد رختخواب شود نسبت به شویش بدان رغبت نماید. (حرعاملی، ۱۷۶/۲۰) بی‌ریایی و بی‌آلایشی و رغبت به زوج و همچنین "مغزله" از مواردی است که بنا بر رسوم متعارف می‌توان در تعریض اشاره کرد؛ آنچه هم در روایات و هم در عرف بدان اشاره شده است، تبرج و خودنمایی زوجه برای زوج است. (کلینی، ۵۷۰/۱۰) در تبیین این اصطلاح می‌توان به آراستن ظاهری با استفاده از وسایل آرایشی-تزیینی و لباس‌های پُر زرق و برق و عطرهاى خوش‌رایحه (همو، ۱۶۵/۱۱) و رعایت نظافت شخصی مانند مسواک زدن، استحمام و زایل کردن موهای زاید بدن، حرکات و سکنات و طرز گفتگو با وی و امثال این موارد اشعار داشت؛ در عرف به مجموع این اعمال "عشق بازی" نیز گفته می‌شود.

۷. رابطه تمکین و عرضه

در اینکه رابطه میان عرضه و تمکین چگونه است و ذیل کدام یک از نسب اربعه منطقی می‌گنجد، هر چهار احتمال متصور است: احتمال اول تباین؛ بدین معنا که مفهوم تمکین و عرضه هیچ مصداق مشترکی ندارند. مطابق این احتمال که مطاوی کلام بعض از فقیهان مؤید آن است، تعریض و دلبری به عنوان تکلیفی فارغ از تمکین قابل ارزیابی است. (روحانی، ۲۴۷/۲۲) احتمال دوم تساوی کلی است؛ بدان معنای که هر تمکینی عرضه و هر عرضه نیز تمکین محسوب می‌شود. سومین احتمال "عموم و خصوص مطلق" است؛ این احتمال خود به دو صورت قابل تصور است: اول آنکه تمکین اعم مطلق باشد و دوم اینکه عرضه را اعم از تمکین بدانیم. بر اساس فرض نخست، برای احراز حکم تکلیفی عرضه، استناد به ادله تمکین امکان‌پذیر خواهد بود؛ اما بر اساس فرض دوم، استنباط حکم عرضه نیازمند ادله مستقل و فراتر است. چهارمین احتمال نیز آن است که نسبت این دو مفهوم، "عموم و خصوص من وجه" باشد؛ بنابراین، تمکین و عرضه ضمن اینکه در برخی مصادیق هم‌پوشانی دارند، هر کدام افراد منحصر به فردی دارد که با افراد دیگری مشترک نیست.

اثر پذیرش هر یک از این نسب، در شمول یا عدم شمول ادله تمکین نسبت به مبحث عرضه مشخص می‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد با نظر به عرف باید رابطه این دو را اعم مطلق بدانیم به گونه‌ای که عرضه مفهوم اعم و تمکین خاص مفهوم اخص محسوب می‌شود؛ زیرا هرگونه ایجاد فضای التذاذ جنسی به معنای عرضه است و سرانجام مصداق نهایی و غایت این فرایند، همان تمکین خاص یا ارتباط کامل جنسی می‌باشد.

آنچه گفتیم پیرامون ارتباط عرضه با تمکین خاص بود. درباره ارتباط عرضه با تمکین عام، بی‌تردید باید اعم بودن تمکین عام نسبت به عرضه را پذیرفت؛ زیرا به معنای اطاعت از زوج بوده و شامل هرگونه درخواست مشروع می‌باشد.

۸. حکم تکلیفی عرضه**۸-۱. اقوال فقیهان****۸-۱-۱. وجوب عرضه زوجه**

جمعی از فقیهان تعریض و دلبری زوجه را واجب می‌دانند. (سبزواری، ۲۱۸/۲۵؛ روحانی، ۲۴۷/۲۲) با این تفاوت که ظاهر کلام برخی آن است که عرضه را به عنوان زیرمجموعه تمکین عام قرار می‌دهند و برخی دیگر بدون اشاره به تمکین عام، به حکم تکلیفی آن پرداخته‌اند.

الف) رهیافت نخست؛ عرضه جزئی از تمکین عام

در این رهیافت، اثبات وجوب عرضه به عنوان بخشی از تمکین عام آسان است؛ زیرا درباره وجوب تمکین عام هیچ فقیهی تردید ندارد و بنابراین از پشتوانه اجماع برخوردار خواهد بود. برخی در جهت فراتر رفتن از مفهوم عدمی تمکین خاص، تنها به نفی امور تنفر انگیز اشاره کرده‌اند. (برای نمونه نک: فاضل اصفهانی، ۴۸۶/۷؛ سبزواری، ۲۱۸/۲۵) اما برخی دیگر از فقیهان سرشناس در امتداد تشریح تمکین کامل به بحث عرضه و مشتقات آن پرداخته؛ در این باره بیان می‌دارند: «و من حقه علیها أن تطیعه و لا تعصیه و لا تصدق من بیته إلا باذنه أن تطیب بأطیب طیبهها، و تلبس أحسن ثیابها، و تتزین بأحسن زینتها، و تعرض نفسها غدوة و عشية». (صاحب جواهر، ۱۴۷/۳۱) در مقابل، به عنوان مصداق نشوز، به افعالی اشاره شده که به وضوح در تضاد با عرضه زوجه‌اند؛ از جمله رویگردانی، تنبلی، ترک خودآرایی و پاکیزگی آنگاه که شوهر بدانها نیاز دارد (مقصود زمان آمیزش است). (صاحب جواهر، ۲۰۵/۳۱؛ سبزواری، ۲۱۸/۲۵؛ خمینی، ۳۰۵/۲؛ گلپایگانی، ۱۲۶) تا آنجا که بزرگانی چون صاحب جواهر، صاحب ریاض، امام خمینی (ره) و سیدعبدالأعلی سبزواری بی توجهی به تعریض و مشتقات آن را موجب تحقق نشوز و ترتب آثار آن بر زن دانسته‌اند. (صاحب جواهر، ۳۰۶/۳۱؛ خمینی، ۳۰۵/۲؛ سبزواری، ۲۱۸/۲۵؛ صاحب ریاض، ۹۱/۱۲؛ فیض کاشانی، ۲۸۹/۲)

ب) رهیافت دوم؛ عرضه فراتر از تمکین

آیت‌الله سیدصادق روحانی از دیگر کسانی است که معتقد به وجوب عرضه‌است، با این تفاوت که ظاهراً ایشان نسبت به عرضه و سایر استمتاعات قائل به وجوب آنها فارغ از تمکین است؛ به عبارتی مطابق با دیدگاه ایشان، وجوب سایر استمتاعات در امتداد جماع نیست. وی در این باره بیان داشته‌است:

۱. صاحب جواهر آورده است: «... و نشوزها الذي هو مخالفة ما تضمنته النصوص الأولى المشتملة على بيان حقه علیها- کون النشوز مسقطاً باعتبار تقویته الشرط الذي هو وجوب طاعتها و عرضها نفسها علیها، و عدم خروجها من بیته بغير إذنه» (صاحب جواهر، ۳۰۶/۳۱)؛ از آوردن «عرضها نفسها علیها» در کنار «وجوب طاعتها» می‌توان فهمید نویسنده در واقع عرضه را مصداقی از تمکین عام دانسته و با عطف تفسیر بدان اشاره نموده است. عباراتی نزدیک به همین مضمون در کلام دیگران نیز ملاحظه می‌گردد (محقق سبزواری، ۲۵۱/۲).

«و لو كان هناك مانع من الوطاء دون سائر الاستمتاعات فهل يجب عليها التمكين من سائر الاستمتاعات أم لا؟ وجهان: أظهرهما الأول لإطلاق ما دلّ على وجوب عرض نفسها عليه و أن لا تمنعه من نفسها و دعوى انصرافها إلى الجماع المتعذر بالفرض ممنوعة. فإن قيل: إن سائر الاستمتاعات يجب عليها التمكين منها تبعاً للجماع فمع سقوط وجوب المتبوع يسقط وجوب التابع. قلنا: إن ظاهر الأدلة وجوبها في عرض وجوب الجماع لا تبعاً له. بل الظاهر وجوب مقدمات الاستمتاعات عليها كالتنظيف المعتاد و إزالة المنفر و ما شاكله». (روحانی، ۲۴۷/۲۲)

وی به استناد ظاهر ادله، معتقد است که عرضه و سایر استمتاعات تنها منصرف به فرضی نیست که جماع مقدور نباشد، بلکه وجوب عرضه بر زوجه و اعمالی که در این عنوان می‌گنجد در عرض جماع است؛ این نوع نگاه مبین افتراق یک‌سویه بین عرضه و تمکین است. بدین معنا که عرضه اعم از جماع (تمکین خاص) محسوب می‌شود؛ چه وجوب عرضه و سایر استمتاعات به عنوان مقدمه‌ای بر تمکین خاص که همان جماع است مورد پذیرش قرار نگرفته است.

به عنوان جمع‌بندی باید اضافه کنیم هرچند فقیهان مذکور ضابطه‌ای بدست نداده و همچنین وارد مصادیق عینی‌تر نشده‌اند، اما باید توجه داشت که به‌عنوان مثال آیا عرفاً ازاله منقّر، در ضمن تمکین قرار می‌گیرد یا فراتر از تمکین محسوب می‌شود؟ به نظر می‌رسد ازاله منقّر، مصداقی فراتر از مفهوم خشک و صرفاً واکنشی تمکین است و در واقع در جهت ایجاد فضای مناسب برای بالابردن سطح کیفی روابط زناشویی است. بنابراین هرچند فقیهان امامیه ضابطه مشخصی ارائه نکرده‌اند، این از آن روست که تبیین مصادیق عرضه بر عهده عرف است و اصولاً نه ضابطه‌مند است و نه در شأن یک فقیه والا مقام است که وارد بحث از چنین جزئیاتی پیرامون روابط جنسی شود!

۸-۱-۲. استحباب عرضه زوجه

جمعی از فقیهان در ذیل مقدمات تمکین، بطور مختصر به عرضه اشاره نموده و با نقد کلام قائلان به وجوب، در نهایت استحباب را پذیرفته‌اند. (مکارم، أنوار الفقاهة، ۲۸۹/۳؛ خوانساری، ۴۷۹/۴)

۸-۲. نقد و بررسی ادله اقوال

۸-۲-۱. تأسیس اصل در مسئله؛ اصل قرآنی و قانونی معاشرت به معروف

به تصریح عبارت قرآنی «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، (نساء/۱۹) بنیادی‌ترین اصل در تعامل میان زوجین، معاشرت به معروف است. (جوادی املی، ۱۴۳/۱۸) بر اساس ساختار واژگانی معاشرت که در باب مفاعله بکار رفته، مفهوم اجتماعی دوسویه است و مردان و زنان را به صورت توأمان در برمی‌گیرد؛ (همو) هرچند اغلب به معاشرت مردان با زنان در خانواده اشاره دارد. (همو؛ معلوف، ۱۱۲۵/۲) چنانکه برخی از مفسران نیز گفته‌اند، (صادقی، ۳۶۴/۳) قرآن کریم از تعبیر «تعاشروا» بهره نگرفته و تنها تکلیف را متوجه مردان نموده، از آن جهت که مردان دست بالاتر را دارند و زنان بیشتر مورد ستم واقع می‌شوند؛ وگرنه روشن است که تکلیف به معاشرت به معروف به استناد اصل اشتراک در تکلیف،

متوجه زنان نیز هست. (رشید رضا، ۴/۴۵۶؛ قربان‌نیا و حافظی، ۱۰۷) معروف در برابر منکر، (راغب اصفهانی، ۳۴۳) به معنای هر فعلی که نیکو بودن آن به وسیله عقل یا شرع مورد شناسایی قرار می‌گیرد. (رفسنجانی‌مقدم و محمدیان، ۱۱) در اصطلاح، آن چیزی است که هدایت عقل و حکم عقل و سنت‌ها و آداب نیکو را دربردارد. (طباطبایی، ۲/۲۲۸) از مصادیق معروف در رابطه با زنان نسبت به همسران، خوش‌رفتاری و کوتاهی نکردن در رفع نیازهای وی (طبرسی، ۲/۲۴) است. بر این بنیاد، اصل معروف یا معاشرت به معروف را می‌توان هر کنشی قلمداد کرد که مشتمل بر حکم شرع، هدایت عقل، خلق نیکو و آداب پسندیده باشد.

در قانون مدنی هم به این اصل کلی به عنوان اصل اساسی حاکم بر روابط زوجین اشاره شده است. ماده ۱۱۰۳ مقرر داشته: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». ماده مذکور، برگرفته از آیه ۱۹ نساء می‌باشد. حقوقدانان در بیان مصادیق حسن معاشرت به اموری مانند خوش‌رویی، صمیمیت و مسالمت اشاره داشته‌اند. (امامی، ۴/۴۳۰؛ صفایی و امامی، ۱۲۲) بنابراین اصل و قاعده اولیه در مسئله، وجوب معاشرت به معروف است و بر این اساس می‌توان عرضه را مصداق بارزی از معاشرت به معروف دانست؛ علی‌الخصوص در شرایط کنونی که فضای حقیقی و مجازی سرشار از آلودگی و راهزنان بیگانه است.

۸-۲-۲. بررسی ادله وجوب عرضه

چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، در صورتی که ترابط مفهوم عرضه و تمکین را در قالب عموم و خصوص مطلق تعریف کنیم و تمکین عام را اعم از عرضه بدانیم، راه دشواری در پیش نداریم؛ زیرا وجوب تمکین عام مجمع علیه است. درباره تمکین خاص نیز هیچ تردیدی وجود ندارد؛ با وجود این، ابتدا راه نخست را در پیش می‌گیریم اما در ادامه بحث را با فرض تباین مفهوم تمکین خاص و عرضه (تباین کلی یا تباین جزئی از سوی عرضه نسبت به تمکین خاص) پیش می‌بریم که دشوارترین فرض است و در این صورت برای اثبات وجوب عرضه، نیازمند دلیل مستقل از تمکین خاص خواهیم بود.

۸-۲-۲-۱. وجوب عرضه به عنوان بخشی از تمکین عام

در صورتی که عرضه را مصداق بارزی از تمکین عام بدانیم، تمامی ادله تمکین عام شامل آن خواهند بود. ادله‌ای که فقیهان (آل عصفور بحرانی، ۲۳/۱۱۹؛ خوانساری، ۴/۴۳۳) در اثبات وجوب تمکین عام بدان‌ها استناد جسته‌اند مختصراً باید اذعان داشت که در روایات (کلینی، ۱۱/۱۶۱ و ۱۶۶) خلاصه می‌شود.

توجیه‌پذیری استناد به ادله فوق در فرض درخواست شوهر از زن مبنی بر عرضه و ایجاد جذابیت‌های جنسی فراتر از آمیزش، بیش از پیش تقویت خواهد شد. در نهایت، در این مجال فرصت نقد و بررسی ادله فوق نه مهیاست و نه ضروری و بنابراین خواننده محترم می‌تواند به منابع تفصیلی رجوع نماید. (ترحینی، ۶/۶۳۴ و ۶۳۶)

۸-۲-۲-۲. روایات

روایات متعددی در رابطه با عرضه زوجه وارد شده که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) روایت اول: از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: «بهترین زنان شما زنانی هستند که هنگام ورود بر همسر همچنان که لباس از تن در می‌آورند لباس حیا را نیز کنار بگذارد، (کنایه از عشوگری و طنازی برای شوهر) و هنگامی که لباسش را می‌پوشد، لباس حیا را نیز بر تن کند.» (کلینی، ۵۷۱/۱۰)^۲

حدیث فوق به لحاظ سندی معتبر است، چه ابوبصیر در منابع رجالی از اصحاب اجماع و ثقه می‌باشد. (کشّی، ۳۳۸؛ ابن غضائری، ۱۱۱؛ علامه حلی، رجال العلامة، ۱۳۷؛ خویی، ۳۲۱/۱۱؛ حائری مازندرانی، ۵۳/۱) افزون‌براین راویان سلسله سند نیز مانند ابن ابی‌نصر، عثمان بن حمّاد توثیق شده‌اند؛ (شیخ طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۳۳۲؛ علامه حلی، رجال العلامة، ۵۶) تنها احمد بن محمد بن خالد برقی، نجاشی ضمن توثیق وی آورده‌است: «و کان ثقة فی نفسه، بیرونی عن الضعفاء و اعتمد المراسیل» (نجاشی، ۷۶). روشن است که مقصود از حدیث فوق، لزوم توجه ویژه زوجه به عشوگری و دلربایی برای شویش است و بدان فارغ از مباحث آمیزش سفارش شده‌است.

ب) روایت دوم: شیخ کلینی از ابی‌حمزه نقل می‌کند که گفت: «از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می‌گوید: در محضر نبی (ص) نشسته بودیم که ایشان فرمودند: بهترین زنان شما زنی است که... تنها برای شوهرش خویشتن را بیاراید، و نسبت به غیر شوهر خود را محفوظ بدارد، سخن شوهرش را بشنود و اوامر او را اطاعت نماید، هنگامی که شوهر با او خلوت نمود خود را به‌هر صورت که وی تمایل دارد در اختیار او قرار دهد، اما به مانند مرد نباشد (بلکه مشتاقانه‌تر خود را بر شویش عرضه نماید)» (کلینی، ۵۷۰/۱۰).^۳

در ابتدای سلسله راویان حدیث بجای ذکر نام روایان، عبارت «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» آمده که، عده‌ای از مشایخ اجازه کلینی است که از باب اختصار از ذکر نام ایشان خودداری نموده‌است. (معروف، ۴۸۰) یکی از آنها محمد بن حسن است که تفرشی وی را توثیق نموده‌است. (تفرشی، ۱۸۱/۴) گمان می‌رود مقصود از ابی‌حمزه، صحابی گرانقدر امام سجاد (ع) یعنی ابی‌حمزه ثمالی باشد که در توثیق او شبهه‌ای نیست. (خویی، ۲۹۳/۴) جابر نیز صحابی بزرگوار پیامبر اکرم (ص) است؛ (علامه حلی، رجال العلامة، ۳۴؛ نراقی، ۵۸) زیرا همین روایت در من‌لایحضره‌الفقیه از وی نقل شده‌است. (صدوق، ۳۸۹/۳). بنابراین روایت معتبر و صحیح است. (علامه مجلسی، ۱۰/۲۰)

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ، وَإِذَا لَبَسَتْ لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ».

شیخ طوسی قریب به همین روایت را با سلسله سندی متفاوت نقل کرده است (طوسی، ج ۷، ص ۳۹۹).

۳. «عَنْ أَبِي حَمَزَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ، الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا، وَلَمْ تَبْدُلْ كَتَبْدُلِ الرَّجُلِ».

مقصود از "تَبْرَج" که در قسمتی از روایت بدان اشاره شده است، اظهار زینت‌ها و محاسن برای زوج است؛ (ابن اثیر، ۱۱۳/۱) عبارت «وَلَمْ تَبْدُلْ كَتَبَدُّلِ الرَّجُلِ» اشاره به عرضه و دلربایی زوجه برای شوهرش دارد، چه مرد ممکن است بی‌مقدمه به سراغ وطی رود، حال آنکه زن از این رفتار مرد نهی شده است.

ج) روایت سوم: از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: «زنی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله (ص) حق شوهر بر همسرش چیست؟... پس حضرت فرمود: ... و بر زوجه واجب است که خودش را با خوش رایحه‌ترین عطرها معطر نماید، و بهترین لباس هایش را بپوشد، و خویش را با بهترین زینت‌ها بیاراید، و صبح و شب خود را بر شوهرش عرضه نماید، و حقوق مرد بر زن بیش از این موارد است». (کلینی، ۱۶۵/۱۱).^۴

سند روایت ضعیف است؛ (علامه مجلسی، ۳۲۰/۲۰) چه جامورانی و ابن‌ابی‌حمزه در سلسه راویان است که در منابعی رجالی ضعیف یا مورد لعن قرار گرفته‌اند؛ (ابن غضائری، ۸۳-۳۹) اما عمل فقیهان به آن می‌تواند جابر ضعف سندی قرار گیرد؛ چنانکه بزرگانی چون صاحب جواهر بدان عمل نموده‌اند. (صاحب جواهر، ۳۰۶/۳۱) بعضی نیز نسبت بدان ادعای تواتر کرده‌اند. (سبزواری، ۲۰۱/۲۵) بنابر کلام فقیهان، آنچه در روایت در زمره حقوق زوج بیان شده در زمره استمتاعی قرار دارد که شرع مخالف با آن نیست، اما با عرف در تضاد است. (سبزواری، ۲۱۸/۲۵) باین حال این استدلال، ردی بر وجوب عرضه و مشتقات آن نمی‌تواند باشد.

د) روایت چهارم: مرحوم طبرسی نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بر زن لازم است که قبل از آنکه بخوابد خود را بر شوهر عرضه کند، با درآوردن لباس هایش و همراه با او به رختخواب برود و بدن خود را به بدن شوهرش بچسباند؛ پس هرگاه این گونه کارها را انجام دهد خودش را بر شوهرش عرضه نموده است». (طبرسی، ۲۳۸)^۵

پیرامون سند روایت و راویان آن در کتب فقهی بحثی به میان نیامده است و در منابع معروف دیگر نیز یا به نقل از مرحوم طبرسی آمده است؛ (حرعاملی، ۱۷۶/۲۰) از این رو، سند روایت فوق ضعیف است. با این وجود مرحوم سبزواری روایت را در زمره روایاتی ذکر می‌کند که در شرع جایز، اما عرف با آن مخالف است.^۶ (سبزواری، ۲۱۸/۲۵) در قسمتی از روایت عبارت «فَتَلْزِقْ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ» آمده است؛ «تَلْزِقْ» از ریشه لَزَقَ به معنی لغزاندن چیزی به چیز دیگر است (فراهیدی، ۸۹/۵) و

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ الرَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ ... فَقَالَ: ... وَ عَلَيْهَا أَنْ تَطْلُبَ بِأَطْيَبِ طَبِيبِهَا، وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا، وَ تَزَيِّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا، وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً ...».

۵. «قَالَ ص: لَا يَجِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَنَامَ حَتَّى تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَى زَوْجِهَا تَخْلَعُ ثِيَابَهَا وَ تَدْخُلُ مَعَهُ فِي لِحَافِهِ فَتَلْزِقَ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ عَرَضَتْ نَفْسَهَا».

۶. روشن نیست که مقصود فقیه بزرگوار، کدام عرف است؟ چگونه احراز شده و مقصود عرف مردان است یا زنان یا همگی؟ در ادامه این استدلال را نقد خواهیم کرد.

الزَّائِقُ نیز به معنای جماع به کار رفته است. (ابن منظور، ۳۲۹/۱۰) چه بسا مراد همان آمادگی زوجه از هر حیث برای معاشقه و آمیزش باشد.

مجموع روایات فوق، برخی به عنوان دلیل و برخی دیگر به عنوان مؤید، وجوب عرضه و دلبری زوجه را اثبات کرده است؛ علی الخصوص که مفاد این روایات مطابق با اصل قرآنی معاشرت به معروف نیز هست.

۸-۲-۳. مقدمه واجب

بطور کلی هرکس که از قوه عاقله برخوردار است، درک می‌کند که اگر بر شخص امری واجب شود و حصول این امر متوقف بر مقدماتی باشد، بی تردید او برای نیل به آن، باید مقدمات را نیز تحصیل نماید که به مامور به نائل شود. فارغ از وجوب عقلی، وجوب شرعی مقدمه واجب محل بحث و مناقشه است؛ اما بسیاری از اصولیان صاحب نام معاصر آن را پذیرفته‌اند. (آخوند خراسانی، ۱۰۴) در بحث پیش‌رو نیز استناد به مقدمه واجب کاربردی اساسی دارد؛ چه نسبت به وجوب تمکین تام زوجه هیچ‌گونه اختلافی در کتب فقهی نیست و در اثبات آن علاوه بر آیات و روایات، به اجماع نیز اشاره شده است. (طباطبایی قمی، ۲۱۶/۱۰؛ سبزواری، ۲۰۱/۲۵) از جمله دلایلی که برای وجوب سایر استمتاعات و عرضه می‌توان بیان داشت، تمسک به فنّ مقدمه واجب است که فقیهان نیز در مباحث مرتبط بدان پرداخته‌اند. عده‌ای مانند شهیدثانی و فیض کاشانی در وجوب افعالی که استمتاع متوقف بر آن است، بدان متوصل شده‌اند. (شهید ثانی، ۳۰۸/۸؛ فیض کاشانی، ۲۸۹/۲)

۸-۲-۴. عرضه؛ ضامن تحکیم روابط زوجین

هرچند عنوان فوق از جهت فقهی دلیلی خالص به نظر نرسد، اما با تعمق در آن می‌توان گفت: قطعاً به استناد روایات متقن، طلاق و جدایی و از هم پاشیدن نظام خانواده میغوض شارع است و در مقابل تحکیم روابط زوجین، محبوب خواهد بود. بنابراین آنچه به تحکیم روابط زوجین بیانجامد و مانع تحقق طلاق باشد، مطلوب شارع مقدّس نیز هست. در این جهت بررسی ساده پرونده‌های طلاق نشان خواهد داد که یکی از عوامل مهمّ در طلاق، نارضایتی زوج از روابط جنسی است.

۸-۲-۳. نقد و بررسی ادله استحباب عرضه

از جمله ادله‌ای که بر نفی وجوب عرضه زوجه ارائه شده، ضعف روایات وارده در باب عرضه است. (شبییری زنجانی، ۱۲۵۳/۴؛ مکارم، أنوار الفقاهة، ۲۸۹/۳) از قائلان به این نظر آیت‌الله سیداحمد خوانساری است. وی ذیل روایت پیامبر (ص) که فرمود: «... و تعرّض نفسها غدوة و عشية» که حقوق زوج نسبت به زوجه را تبیین کرده است، بیان می‌دارد: «و ذلك لأنّ الظاهر عدم وجوب ما فی هذه الرواية لقيام السيرة علی عدم مراعاة ما ذكر فلا بدّ من الحمل علی الاستحباب». چنانکه پیداست ایشان معتقد است که از ظاهر روایت عدم وجوب استنباط می‌شود؛ چراکه سیره بر عدم مراعات موارد مذکور در روایت دلالت دارد. (خوانساری، ۴۷۹/۴) آیت‌الله مکارم نیز روایت فوق را به سبب وجود ابن ابی حمزه و عمرو بن جبیر، روایتی ضعیف دانسته و آن را حمل بر استحباب

کرده است. (مکارم، أنوار الفقاهة، ۲۸۹/۳) صاحب حدائق الناضرة نیز، ملحقات به عرضه مانند خوش‌بویی، پوشیدن بهترین لباس‌ها و نمایان ساختن زینت برای شوهر، را مستحب مؤکد دانسته است. (آل عصفور بحرانی، ۱۲۱/۲۳). ظاهراً استظهار فوق مبتنی بر دو مقدمه است: اول ظهور عرفی لسان روایات مبنی بر عدم تأکید و در نتیجه استحباب، دوم بهره‌گیری از دلیل سیره متشرعه به عنوان دلیل دوم یا مؤید روایات.

در نقد مقدمه نخست، آنچه پیرامون دلالت آیات و روایات در بخش قبلی بیان شد کافی می‌نماید. در نقد مقدمه دوم نیز باید گفت: اولاً این پرسش به گونه جدی مطرح می‌شود که اساساً امر عدمی چگونه قابل احراز است؟ ثانیاً از جهت صغروی انعقاد سیره بر عدم مراعات مفاد روایت معلوم نیست؛ زیرا امری پنهانی و مربوط به خصوصی‌ترین فضای قابل تصور است. به راستی چگونه می‌توان سیره عقلایی یا متشرعی را در امور ظاهر به راحتی احراز کرد تا چه رسد به امری کاملاً خصوصی و پنهانی؟! ثالثاً در همان حد بسیار ناچیزی که معلوم است نیز چنین روشی نمی‌تواند دلالت بر مشروعیت آن داشته باشد؛ چه جهت سیره مجهول است و ممکن است رویه مذکور ناشی از حیای مذموم یا کم‌همتی زوجه و مانند این موارد باشد.

۹. نتیجه‌گیری

هرچند زوجین موظف به رعایت دوسویه حقوق یکدیگر می‌باشند، در مقاله پیش رو تنها مجال پرداختن به یکی از تکالیف زوجه، یعنی عرضه به دست آمد. عرضه در اصطلاح فقیهان تنها در قالب بیان مصادیق تبیین شده اما با استفاده از کلمات ایشان می‌توان تعریفی اینگونه ارائه نمود: عبارت است از اینکه زوجه ظرفیت‌های جنسی و زنانه خویش را به شیوه شایسته بر شوهر ارائه و عرضه نماید. به تعبیری دیگر، کلیه رفتارهای جنسی است که هدف آن تحریک یا فرونشاندن جنبه‌های دیداری، شنیداری و حسی غریزه جنسی مرد باشد؛ به نحوی که قاعداً موجب شگفت‌زدگی وی شود.

بررسی ادله و منابع فقهی نشان می‌دهد ایجاد فضای جذاب جنسی توسط زوجه در مقابل زوج، از تکالیف وی محسوب می‌شود. اثبات این مدعا در پرتو دو روش کلی قرار دادن عرضه در ضمن تمکین و در نتیجه شمول ادله تمکین عام بر آن، و نیز اثبات استقلالی و جوب عرضه در پرتو روایات و نیز انطباق بر نهاد اصولی مقدمه واجب میسر می‌نماید. در نهایت پیشنهاد مقاله حاضر، ترویج این حکم فقهی در قالب معرفی، تبیین و ترویج احکام فقهی در فضاهای حوزوی و دانشگاهی و عمومی است. تأکید بر این تکلیف الهی می‌تواند در جهت فرهنگ‌سازی دینی مفید واقع شده و تثبیت نسبی آن سبب جلوگیری از اختلافات خانوادگی و از هم پاشیدن نظام خانواده شود.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۲. ابن غضائری، احمد بن ابی عبدالله، رجال ابن غضائری- کتاب الضعفاء، قم، بی تا، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۵. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الأصول، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۰۹ق.
۶. اراکی، محمد علی، رساله فی نفقة الزوجه، قم، موسسه در راه حق، ۱۴۱۳ق.
۷. اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
۸. اف هاردی، ویلیام، نیازهای زنان نیازهای مردان، مترجمان: شمس الدین حسینی و الهام آرام نیا، تهران، انتشارات نسل نوایش، ۱۳۹۰ش.
۹. امامی، سید حسن، حقوق مدنی خانواده، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۲ش.
۱۰. آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
۱۱. ترحینی، سیدمحمدحسین، الزبدة الفقهیة، قم، دارالفقه للطباعة و النشر، ۱۴۲۷ق.
۱۲. تفرشی، سیدمصطفی بن حسین، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیرتسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق خانواده، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۱۶. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۶ق.
۱۷. حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حکیم، محمد سعید، الفتاوی، قم، دار الهلال، ۱۴۳۳ق.
۱۹. حلّی، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۲۰. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۲۱. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.

۲۲. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، بیجا، بی نا، بی تا.
۲۳. -----، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۱۸ق.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۵. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۹۵م.
۲۶. رفسنجانی مقدم، مصطفی و محمدیان، علی، «پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی» تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۴ (۱۸)، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۴ش.
۲۷. روحانی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دار الكتاب-مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲ق.
۲۸. سبزواری، سیدعبدالأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار-دفتر حضرت آية الله، ۱۴۱۳ق.
۲۹. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، قم، دفتر حضرت آية الله سیستانی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الألفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۳۲. صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. صاحب ریاض، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۳۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳۶. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷ش.
۳۷. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ق.
۳۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتاب الإسلامية، ۱۳۹۴ق.
۳۹. طباطبایی قمی، سید تقی، مبانی منهاج الصالحین، قم، منشورات قلم الشرق، ۱۴۲۶ق.
۴۰. طباطبایی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظی، حاشیة فرائد الأصول، قم، دار الهدی، ۱۴۲۶ق.
۴۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

۴۲. -----، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۰ق.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۴۴. -----، رجال الشیخ الطوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۷ق.
۴۵. -----، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة-خلاصة الأقوال، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ق.
۴۷. -----، تحرير الاحکام الشرعية على مذهب الإمامية، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
۴۸. -----، تلخیص المرام فی معرفة الاحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق.
۴۹. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۵۰. غدیری، عبدالله عیسی ابراهیم، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية، بیروت، دار الرسول الاکرم (ص)، ۱۴۱۸ق.
۵۱. فاضل اصفهانی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۵۳. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، قم، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی (ره)، بی تا.
۵۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، بی تا.
۵۵. قربان نیا، ناصر و حافظی، معصومه، «بررسی اصل معاشرت به معروف در میان همسران از منظر قرآن کریم»، بانوان شیعه، ۱۳۸۸ (۶)، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۸ش.
۵۶. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۵۷. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۰ش.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
۵۹. گلپایگانی، محمدرضا، إرشاد السائل، بیروت، دار الصفوة، ۱۴۱۳ق.
۶۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

۶۱. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایة الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳ق.
۶۲. محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۴ق.
۶۳. معروف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴ش.
۶۴. معلوف، لویس، المنجد، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دار النشر الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ش.
۶۶. -----، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۴ق.
۶۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی-فهرست أسماء مصنفی الشيعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۶۸. نراقی، میرزا ابو القاسم بن محمد، شعب المقال فی درجات الرجال، قم، کنگره بزرگداشت نراقی، ۱۴۲۲ق.
۶۹. نظری توکلی، سعید و کراچیان ثانی، فاطمه، «قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق خانواده»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۷ (۱۰)، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش.